

## بررسی زمینه‌های ژئوپلیتیکی بروز جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران

محسن رادمهر<sup>۱</sup>، عباس علیپور<sup>۲</sup>، حسن سعادت<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۲

### چکیده:

عامل جغرافیا و ژئوپلیتیک نقش انکارناپذیری در وقوع جنگ‌ها ایفا می‌کنند. دولتمردان کشورهای که با محدودیت‌های ژئوپلیتیکی روبه‌رو هستند، غالباً برای تغییر این وضعیت، دیدگاه‌های توسعه‌طلبانه‌ای نسبت به همسایگان خود دارند. کشور ایران نیز با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی‌اش، همواره مورد تهدید قرار گرفته است. جنگ هشت‌ساله رژیم بعث عراق علیه ایران، به عنوان یکی از مهم‌ترین جنگ‌های دوره معاصر تا حد زیادی متأثر از ژئوپلیتیک و عامل جغرافیا بوده است. هدف این پژوهش بررسی و تبیین زمینه‌های ژئوپلیتیکی بروز جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران می‌باشد. در واقع پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که مهم‌ترین زمینه‌های ژئوپلیتیکی بروز جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران کدام‌اند؟ این پژوهش بر اساس ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی محسوب می‌شود. اطلاعات موردنیاز به شیوه اسنادی و با مراجعه به منابع معتبری چون کتب، مقالات و گزارش‌های معتبر گردآوری شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران در بستر سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی به وقوع پیوست. بنا به این یافته‌ها، عوامل ژئوپلیتیکی بروز جنگ در سطح ملی به عوامل سرزمینی و قلمرویی، ژئواکونومیک، ژئوکالچر، هیدروپلیتیک، سیاسی، ژئواستراتژی و نظامی؛ در سطح منطقه‌ای به عوامل سرزمینی، ژئواکونومیک، ژئوکالچر، سیاسی، ژئواستراتژی و نظامی و در سطح بین‌الملل به عوامل ژئواکونومیک، ژئوکالچر، سیاسی، ژئواستراتژی و نظامی قابل تقسیم و بررسی است.

**واژگان اصلی:** ژئوپلیتیک، ایران، عراق، جنگ تحمیلی، تنش و منازعه

۱. کارشناسی ارشد جغرافیا و دفاع مقدس دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

m.radmehr1362@gmail.com

۲. دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام)، تهران، ایران

۳. استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام)، تهران، ایران

## مقدمه

تضاد، اختلاف، ناسازگاری، منازعه و جنگ میان انسان‌ها از همان ابتدای آفرینش انسان و در طول دوره‌های مختلف تاریخی، مرسوم و مداوم بوده است. ویژگی فراگیری و تداوم منازعه در هر عصر و زمان و تأثیرات آن در امنیت جوامع انسانی در ابعاد محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، این پدیده را به موضوعی قابل پژوهش و بررسی در دانش و علوم مرتبط، تبدیل کرده است. (حافظ نیا و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۵) به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، جغرافیا و ژئوپلیتیک هر منطقه نقش مهمی در بروز تنش و مناقشه میان واحدهای سیاسی - فضایی هم‌جوار ایفا نموده است. به‌طوری‌که می‌توان گفت ریشه بسیاری از ناآرامی‌ها و بی‌ثباتی‌های هر منطقه ریشه در وضعیت، موقعیت و ژئوپلیتیک آن منطقه و کشورهای آن دارد. دولتمردان کشورهایی که با محدودیت‌های ژئوپلیتیکی روبه‌رو هستند، برای تغییر این وضعیت، غالباً، دیدگاه‌های توسعه‌طلبانه‌ای نسبت به همسایگان خود دارند و این امر سرمنشأ بسیاری از تنش‌ها و منازعات شده است.

کشور ایران نیز به لحاظ موقعیت ژئوپلیتیکی‌اش، همواره مورد تهدید قرار گرفته است. در طول تاریخ، ایران گاهی، به منزله پل ارتباطی تمدن‌های شرق و غرب و زمانی به منزله گذرگاهی برای اقوام و قبایل بدوی شرق مورد تجاوز و حمله کشورهای هم‌جوار قرار گرفته است.

تجاوز عراق به ایران و راه‌اندازی جنگ هشت‌ساله را می‌توان آخرین مورد توسعه‌طلبی‌های کشورهای هم‌جوار عنوان کرد؛ تجاوزی که هرچند تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار داشت، اما تا اندازه زیادی، از عوامل ژئوپلیتیکی سرچشمه می‌گرفت.

کشور عراق به‌عنوان کشوری که بیشترین مرز زمینی را با ایران دارد و با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک نامناسب خود، به‌ویژه عدم دسترسی به سواحل خلیج فارس، همواره ادعاهای توسعه‌طلبانه‌ای نسبت به ایران مطرح کرده است. تا پیش از استقلال عراق، همواره نوعی پیوستگی جغرافیایی و وابستگی تاریخی میان دو کشور ایران و عراق وجود داشت. این پیوستگی در برخی از برهه‌های تاریخی، به وابستگی ژئوپلیتیک تبدیل می‌شد؛ اما با استقلال عراق، نابرابری‌های جغرافیایی و تنگنای ژئوپلیتیکی بیشتر خود را نشان داد. از این‌رو این کشور برای تأمین منافع خود، درصدد برآمد تا از حداکثر کدهای ژئوپلیتیک خود علیه همسایگانش استفاده کند.

از سویی دیگر به دلیل پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و فترتی که در مرحله گذار از نظام شاهنشاهی به نظام جمهوری اسلامی در کشور پدید آمد، حاکمان بغداد ترغیب شدند تا به

توسعه‌طلبی‌های خود درباره ایران جامه عمل بپوشانند؛ بنابراین، جنگ خانمان‌سوزی که به مدت هشت سال طول کشید و خسارت‌ها و خرابی‌های بی‌شماری را برجای گذاشت، پی‌ریزی شد. این پژوهش می‌کوشد تا با بررسی نظریه‌های ژئوپلیتیک و منازعه، به طور مشخص زمینه‌های ژئوپلیتیکی بروز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران را مورد واکاوی دقیق قرار داده و با تبیین عوامل مؤثر جغرافیایی در بروز تنش و منازعه میان دو واحد سیاسی هم‌جوار، زمینه‌های ژئوپلیتیکی بروز جنگ تحمیلی را بررسی کند. همچنین این پژوهش سعی دارد تا با نگاهی به آینده روابط سیاسی میان دو کشور، راهکارهایی در این خصوص ارائه نماید؛ بنابراین پرسش اصلی این پژوهش این است که زمینه‌های ژئوپلیتیکی بروز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران کدام‌اند؟

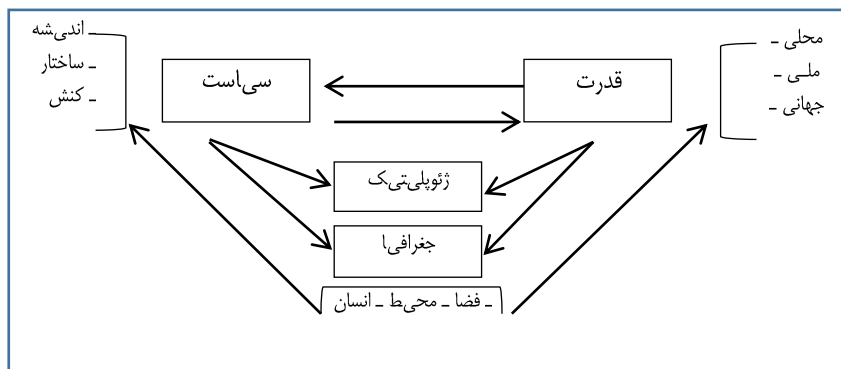
## ۱- روش تحقیق

پژوهش حاضر یک پژوهش کاربردی و از نظر روش پژوهش در زمره مطالعات توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری مطالب و اطلاعات موردنیاز نیز، از طریق مطالعه اسناد و منابع کتابخانه‌ای اعم از کتاب‌ها، مجله‌ها و مقالات، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های نوشته شده در خصوص موضوع پژوهش و مباحث مرتبط با آن می‌باشد. در این پژوهش از ابزارهای فیش‌برداری، سند خوانی و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش‌های استدلال و تحلیل عقلانی استفاده شده است.

## ۲- چارچوب مفهومی و نظری پژوهش

### ۲-۱- مفهوم شناسی

ژئوپلیتیک: ژئوپلیتیک مفهومی ترکیبی است که در آن سه عنصر اصلی جغرافیا، قدرت و سیاست خصلتی ذاتی دارند. بنابراین، ژئوپلیتیک عبارت است از مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست. این تعریف در قالب مدل سه وجهی زیر قابل تبیین و توضیح است. در این مدل، جغرافیا در سه حوزه فضا، محیط و انسان‌ها مورد توجه قرار گرفته است. (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ۸۷)



شکل ۱- مدل تعریف ژئوپلیتیک (حافظ نیا، ۱۳۷۹: ۸۷)

ژئواستراتژی: ژئواستراتژی علمی است که نقش عوامل محیط جغرافیایی در تدوین استراتژی‌ها به طور اعم و استراتژی‌های نظامی به طور اخص را مورد مطالعه قرار می‌دهد (عزتی، ۱۳۸۷: ۸).  
ژئواکونومی: واژه «ژئواکونومی» (ژئوپلیتیک اقتصادی) در اواخر دهه ۱۹۹۰م مطرح شد. در جهان امروز، قدرت اقتصادی یکی از عوامل مهم و تعیین کننده جایگاه و نقش کشورها در نظام بین الملل می‌باشد، زیرا مفهوم سستی قدرت بر پایه قابلیت‌های صرفاً نظامی تغییر کرده و امروزه توانایی اقتصادی و تکنولوژیک نیز از ضروریات مفهوم جدید قدرت به حساب می‌آیند (جعفری ولدانی، ۱۳۸۷: ۱۵).

ژئوکالچر: مفهوم «ژئوکالچر» یا ژئوپلیتیک فرهنگی در اواخر دهه ۸۰م از سوی «امانوئل والرشتین» آمریکایی مطرح شد. در این راستا، ژئوکالچر مفهومی متناظر با ژئوپلیتیک است که به جای سیاست، بر فرهنگ تمرکز دارد. ژئوکالچر مفهومی است که بر تحمیل الگوهای فرهنگی از سوی قدرت‌های هسته‌ای بر کشورهای پیرامون و نیمه پیرامونی برای زایل ساختن فرهنگ‌های بومی آن‌ها اشاره دارد (طاهری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۷۲). ژئوکالچر به معنای اهمیت دادن به عناصری چون فرهنگ، زبان، قومیت و مذهب در کنار سایر عوامل ژئوپلیتیک است (روشن و فرهادیان، ۱۳۸۸: ۱۳).

هیدروپلیتیک: هیدروپلیتیک به مطالعه سامانمند روابط دولت‌ها، بازیگران غیردولتی و سایر عناصر مانند نهادهای فرادولتی درباره بهره‌برداری انحصاری از آب‌های بین‌المللی می‌پردازد. در واقع این تعریف بر موارد زیر تأکید دارد: (۱) بررسی ارتباط دوسویه بازیگران دولتی و غیردولتی، (۲) تأکید بر بازیگران و نهادهای درون و بیرون کشورها، (۳) کوشش برای بهره‌برداری انحصاری از

آب، (سعیدزاده و عزتی، ۱۳۸۹: ۴) اعمال حاکمیت‌های گوناگون بر رودهایی که کارکردی ملی و بین‌المللی دارند (مختاری هشی و کاویانی، ۱۳۹۸: ۱۹).

چالش ژئوپلیتیکی: چالش ژئوپلیتیکی عبارت است از ایجاد وضعیت برای یک دولت یا کشور، بر پایه عوامل ثابت و متغیر ژئوپلیتیکی و متأثر کردن سیاست آن کشور با استفاده از تغییرها و عوامل جغرافیایی. به عبارت دیگر، منفعل کردن سیاست و استراتژی ملی دیگر کشورها با کاربرد عوامل و ارزش‌های جغرافیایی یا کاربرد جغرافیا علیه کشورهای رقیب (حافظ نیا، ۱۳۷۹: ۲۱۳).

منزعه: منازعه به وضعیت و شرایطی اشاره دارد که در آن یک گروه و مجموعه انسانی مشخص و معین، اعم از مذهبی، فرهنگی، زبانی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، قبیله‌ای یا قومی به دلیل تعارض و ناسازگاری واقعی یا ظاهری اهداف و ارزش‌ها با یک گروه یا گروه‌های انسانی معین دیگر تعارض و تضاد آگاهانه دارند. در حقیقت منازعه نوعی کنش متقابل و تعامل افراد و کشورها با یکدیگر است که شامل مبارزه و مقابله آن‌ها با طبیعت و محیط زندگی‌شان نمی‌شود (قربانی نژاد و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۶۸).

## ۲-۲- نظریه‌های ژئوپلیتیک:

نظریه‌های ژئوپلیتیک در چهار حوزه زیر قابل تقسیم و بررسی است:

### ۲-۲-۱- نظریه‌های ژئوپلیتیک با تأکید بر قدرت بری (خشکی)

نظریه هارتلند: این نظریه توسط جغرافی‌دان انگلیسی، سر هالفورد مکیندر در مقاله‌ای در سال ۱۹۰۴م و سپس در کتاب وی در سال ۱۹۱۹م منتشر شد (الهی، ۱۳۹۶: ۲۰). مکیندر قاره‌های اروپا، آسیا و آفریقا را به عنوان جزیره جهانی می‌شناخت و آن را به همین نام معرفی کرد (عزتی، ۱۳۹۷: ۱۲). از دیدگاه او کلید جزیره جهانی، ناحیه محور یا هارتلند است. مکیندر بر این باور بود که هارتلند اهمیت اساسی در اوراسیا به عهده دارد. وی در ۱۹۱۹م چنین عنوان کرد: «کسی که بر شرق اروپا تسلط یابد بر هارتلند حاکم خواهد بود و کسی که بر جزیره جهانی حاکم باشد، بر دنیا مسلط است» (عزتی، ۱۳۹۷: ۱۳).

نظریه ریمیلند: نیکلاس اسپایکمن در نظریه «ریمیلند» یا سرزمین حاشیه‌ای، سرزمین‌های حاشیه‌ای اروپا، خاورمیانه، آسیای جنوبی و خاور دور را همچون کلیدهای امنیت ایالات متحده آمریکا تلقی می‌کند. به نظر این دانشمند تسلط بر هر یک از این مناطق، احاطه بر جهان جدید را به صورت یک امکان درمی‌آورد (نورائی، ۱۳۸۵: ۱۱۷). به اعتقاد اسپایکمن سلطه بر هر یک از مناطق،

امنیت امریکا را تهدید می‌کند؛ زیرا از چنین موقعیتی، محاصره دنیای جدید ممکن می‌شود. همچنین به اعتقاد او هر که ریمیلند را کنترل کند، بر اوراسیا حکومت می‌کند و هر کس اوراسیا را کنترل کند، سرنوشت جهان را در اختیار دارد (الهی، ۱۳۹۶: ۲۲).

نظریه کمر بند شکننده: این نظریه توسط «اس. بی. کوهن» مطرح شد. بر اساس این نظریه، خاورمیانه میان دو قدرت بری (شوروی) و بحری (آمریکا) قرار دارد؛ از این رو در زیر فشار این دو قدرت خرد می‌شود (جعفری ولدانی، ۱۳۹۹: ۲۸). کوهن یک طرح کمتر جدلی از مناطق ژئواستراتژیک جهان ارائه داد که در آن خاورمیانه همراه با مصر، سودان و بخشی از لیبی را در برمی‌گرفت. کوهن نظریه کمر بند شکننده را بدین صورت تعریف می‌کند «یک منطقه وسیع با موقعیت استراتژیک اشغال شده توسط دولت‌های در حال کشمکش که بین منافع متضاد قدرت‌های بزرگ گیر کرده است» (دراسیدل، بلیک، ۱۳۸۶: ۳۷).

نظریه ارگانیکی: این نظریه در دوره جدید تحول در جغرافیای سیاسی توسط «فریدریک راتزل» آلمانی ارائه شد. راتزل با اشاره به دو عامل وسعت و موقعیت جغرافیایی، معتقد بود که وسعت خاک یک کشور نشان‌دهنده قدرت سیاسی و نفوذ فرهنگی حکومت آن است. هر قدر خاک کشوری وسیع‌تر باشد، قدرت سیاسی و تمدن آن کشور گسترده‌تر خواهد بود. راتزل پس از عامل وسعت به عامل موقعیت جغرافیایی و تأثیر آن در سیاست حکومت‌ها اهمیت می‌داد؛ بدین معنی که موقعیت یک کشور در مجاورت یک حکومت قوی یا ضعیف، اهمیت راهبردی دارد (میرحیدر، ۱۳۹۸: ۶).

## ۲-۲-۲. نظریه‌های ژئوپلیتیک با تأکید بر قدرت بحری (دریا)

نظریه قدرت دریایی: «آدمیرال آلفرد تایر ماهان» آمریکایی «نیروی دریایی را به عنوان کلید قدرت جهانی» مورد تأکید قرار داده است. از دیدگاه او «دریاهای جهان بیش از آن‌که سرزمین‌های جهان را از هم جدا کنند، آن‌ها را به پیوند می‌دهند؛ بنابراین تشکیل امپراتوری‌های ماورای بحار و دفاع از آن‌ها به قدرت تسلط بر دریا بستگی دارد» (نورائی، ۱۳۸۵: ۱۱۷).

نظریه یوردیس فون لوهازن: یوردیس فون لوهازن، در سال ۱۹۹۶م در کتاب خود با عنوان «امپراتوری‌ها و قدرت: ژئوپلیتیک امروزی» از خلیج فارس به منزله «مرکز مرکز» نام برد. از دیدگاه او خلیج فارس در منطقه‌ای بسیار حساس یعنی در محل تلاقی محورهای بزرگ ارتباطی زمینی که خاور دور را به آفریقا، اروپا و هند متصل می‌کند، قرار دارد. هر قدرتی که در اینجا استقرار یابد به‌صرف همین واقعیت، می‌تواند پشتیبان یا تهدیدی همه‌جانبه برای جناح‌ها یا خطوط جبهه خلفی

نه فقط کشورهای خاورمیانه، بلکه ورای آن، جناح یا خطوط جبهه خلفی اروپا، شبه‌قاره هند و آفریقا به شمار می‌آید. وانگهی، چنین امری می‌تواند پیش طرح تکوین جبهه سوم را در برابر قدرت نظامی روسیه تشکیل دهد و خطوط جبهه خلفی کشور متحد آمریکا یعنی ترکیه را در برابر روسیه تقویت کند و بر کشورهای مصر، سوریه، ایران و نیز اروپا و ژاپن، عمدتاً از طریق نفت فشار وارد آورد (جعفری ولدانی، ۱۳۸۷: ۶).

### ۳-۲- نظریه‌های ژئوپلیتیک با تأکید بر قدرت اقتصادی (ژئواکونومیک)

نظریه‌های «ادوارد لوت واک» و «ژان شرایبر»: از نظریه‌پردازان ژئواکونومیک می‌توان از ادوارد لوت واک و ژان ژاک شرایبر نام برد. لوت واک معتقد بود که اساس اقتصاد بازار و سوددهی مطلوب عاملی است که می‌تواند نظر سیاستمداران قدرتمند غرب را به سمت خود سوق داده و کاهش ناشی از سود تسلیحات را توجیه‌پذیر نماید (مولایی، ۱۳۸۲: ۱۶۲). شرایبر نیز با تأکید بر ژئواکونومی و اهمیت انرژی در کتاب «تکاپوی جهانی» نوشته است: «آمریکایی‌ها سرانجام به اهمیت عربستان سعودی پی می‌برند و کارشناسان پتتاگون به این نتیجه می‌رسند که هر که این قلعه را در دست داشته باشد، برتری بزرگی خواهد داشت و تا به آنجا می‌رسند که می‌گویند ظرف ده سال آینده هر که بر عربستان و خاورمیانه مسلط باشد، بر همه قاره اروپا مسلط خواهد بود» (الهی، ۱۳۹۶: ۱۹).

### ۴-۲- نظریه‌های ژئوپلیتیک با تأکید بر فرهنگ (ژئوکالچر)

نظریه ژئوکالچر والرشتاین: والرشتاین از دیدگاهی جدید، به ژئوپلیتیک توجه کرده است و ژئوکالچر را زیربنای ژئوپلیتیک می‌داند. به اعتقاد او جنگ‌ها ماهیتی متفاوت با یکدیگر دارند که ناشی از ژئوکالچر آن‌هاست. والرشتاین، ژئوکالچر را جنبه درونی جهان می‌داند؛ جنبه‌ای که پوشیده‌تر از آن است که به چشم آید و دشوارتر از آن که قابل درک باشد و درعین حال، جنبه‌ای است که بدون آن، دیگر جنبه‌ها عقیم می‌مانند (کرنگ، ۱۳۹۰: ۱۷). والرشتاین مشترکات فرهنگی هر حوزه جغرافیایی را مدنظر قرار داده و آن را «جنبه پوشیده جهان» نامیده است. او خط و مرزهای فرهنگی را «چهارچوب ژئوپلیتیکی واقعی» معرفی کرده است (والرشتاین، ۱۳۹۴: ۲۲۶).

نظریه گلاسنر: گلاسنر در بحث‌های فرهنگی و ارتباط آن‌ها با ژئوپلیتیک، به سه عامل «زبان، مذهب و قومیت» توجه می‌کند. به نظر او، ناسیونالیسم بر مردم تأثیر بیشتری نسبت به مذهب دارد. از دیدگاه او، تنوع قومی عامل مهمی در بروز جنگ، مخدوش شدن مرزها و حتی گاه شکل گرفتن مرزهاست (Glassner&fahter, 2004:261).

جدول ۱- طبقه‌بندی نظریات ژئوپلیتیکی مرتبط با موضوع پژوهش

موضوع	نظریه	نظریه پرداز	شاخص نظریه
تأکید بر قدرت بری (خشکی)	هارتلند ریملند کمر بند شکننده فضای حیاتی ارگانیک	مکیندر اسپایکمن کوهن هوفر راتزل	تأکید بر اهمیت منابع فیزیکی و انسانی اوراسیا تأکید بر اهمیت سرزمین‌های حاشیه‌ای اروپا، خاورمیانه و آسیای غربی تأکید بر اهمیت خاورمیانه تأکید بر گسترش خشکی تأکید بر وسعت و موقعیت جغرافیایی
تأکید بر قدرت بحری (دریا)	نظریه قدرت دریایی مرکز مرکز	ماهان لوهازن	تأکید بر تسلط بر دریا (دسترسی به آب‌های آزاد) تأکید بر دسترسی به آب‌های آزاد
تأکید بر قدرت اقتصادی (ژئواکونومیک)	ژئواکونومیک	لوت واک شرایبر	تأکید بر ژئواکونومی و اهمیت انرژی
تأکید بر فرهنگ (ژئوکالچر)	ژئوکالچر	والرشتاین گلاسز	تأکید بر فرهنگ تأکید بر سه عامل زبان، مذهب و قومیت

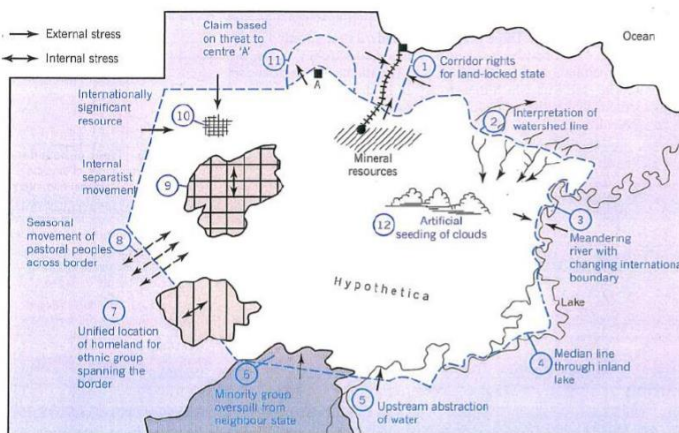
### ۳-۲- نظریه‌های ژئوپلیتیکی تنش و منازعه میان کشورها

نظریه «های پوتیتیکا» پیتر هاگت (۱۹۷۲م): الگوی «های پوتیتیکا» توسط پیتر هاگت در سال ۱۹۷۲م ارائه شد. هاگت الگوی خود را درباره علل جغرافیایی منازعه و نقاط فشار و تنش کشورها در قالب کشور فرضی محصور در خشکی و به‌دوراز دسترسی به آب‌های آزاد با عنوان «های پوتیتیکا» ارائه کرد که وضعیت و ویژگی‌های اختصاصی آن موجب منازعه میان آن و کشورهای همسایه می‌شود (حافظ نیا و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴۹). هاگت در این مدل به دوازده عامل جغرافیایی تنش‌زا مانند محصور بودن در خشکی و عدم دسترسی به آب‌های آزاد، بروز اختلاف میان واحدهای سیاسی درباره تعیین موقعیت دقیق و تفسیر خط تقسیم آب، انتخاب یک رودخانه به عنوان مرز بین‌المللی، اختلاف بر سر جریان رودی که سفالی آن از قلمرو کشور بالادست وارد می‌شود، استقرار یک گروه اقلیت زبانی و قومی در امتداد مرز و وجود دنباله آن در آن‌سوی مرز کشور همسایه، کوچ و جابه‌جایی فصلی رهمداران کوچ‌نشین در دو سوی مرز بین‌المللی، وجود اقلیت‌های قومی و قبیله‌ای مختلف با گرایش‌های جدایی‌طلبی در درون کشور، برخورداری یک



کشور از منبع راهبردی و یا یک منبع فرهنگی، ادعای یک کشور نسبت به بخشی از سرزمین همسایه برای حفظ موقعیت برتر و حیاتی مناطق و منابع مرزی خود و منازعات قانونی بر سر باروری مصنوعی ابرها برای تأمین باران کشور و ایجاد بارش در قلمرو کشور همسایه در اثر جابه‌جایی ابرها اشاره کرده است (هاگت، ۱۳۹۲: ۳۷۲).

در (شکل ۲) مدل های پوتیتکا پیتتر هاگت و دوازده عامل جغرافیایی تنش‌زا و منازعه آفرین میان دولت‌ها نشان داده شده است.



شکل ۲- الگوی «های پوتیتکا» (هاگت، ۱۳۹۲: ۳۷۷)

نظریه ژئوکانومیک ادوارد لوتواک (۱۹۹۰م): «ادوارد لوتواک» نظریه خود را در ارتباط با ماهیت و علل منازعات در مقاله «از ژئوپلیتیک تا ژئوکانومی: منطق مناقشه، دستورالعمل تجارت» در سال ۱۹۹۰م مطرح کرد (حافظ نیا و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵۴). به اعتقاد لوتواک پایان جنگ سرد، از اهمیت برخوردار از توانایی‌های نظامی را در ارتباط با امور جاری دنیا به صورت مداوم کاست (لوتواک، ۱۹۹۰: ۲۸۹). لوتواک از آمدن نظام جدید بین‌المللی در دهه ۹۰ میلادی خبر داد که در آن، عوامل اقتصادی، جایگزین اهداف نظامی می‌شود و عامل منازعات دیگر موضوعات گذشته نیست، بلکه در کنار هر تنش، یک عامل اقتصادی وجود دارد (حافظ نیا و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵۴). نظریه توماس هامر-دیکسون (۱۹۹۴م): توماس هامر دیکسون تخریب منابع زیستی یا زیست‌محیطی را با وقوع منازعات خشونت‌آمیز مرتبط می‌داند. وی می‌نویسد: «کمبود منابع تجدیدپذیر می‌تواند به خشونت داخلی از جمله شورش‌ها و درگیری‌های قومی کمک کند. اگرچه کمبود منابع زیست‌محیطی اغلب موجب خشونت در گذشته شده است در دهه‌های آینده، شیوع

چنین خشونت‌هایی احتمالاً افزایش خواهد یافت؛ زیرا کمبود زمین‌های زراعی، آب شیرین و جنگل‌ها در بسیاری از بخش‌های جهان در حال توسعه، بدتر می‌شود؛ با این حال، نقش کمبود منابع در چنین خشونت‌هایی اغلب غیرمستقیم است به این معنا که در تعامل با عوامل سیاسی، اقتصادی و... تأثیرات اجتماعی زیانباری ایجاد می‌کند که به تولید منازعه منجر می‌شود» (حافظ نیا و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵۸ به نقل از Homer-Dixon, 1999: 178).

نظریه جان ام کالینز (۱۹۹۸ م): کالینز در بیان منازعات و تشریح آن‌ها در چارچوب ژئوپلیتیک، اصطلاح «اصطکاک ژئوپلیتیک» به کار می‌برد. وی می‌نویسد: «بیشترین اصطکاک ژئوپلیتیکی از جمله جنگ‌ها در زمین (خشکی) یا در امتداد مکان‌های ساحلی رخ می‌دهد که در آن‌ها جوامع انسانی، اهداف متضادی را دنبال می‌کنند. بسیاری از نقاط حساس و ناآرام، ریشه‌های جغرافیایی دارد و شاید ادعاهای ارضی ستیزه‌جویانه و منازعات زیست‌محیطی از رایج‌ترین آن‌ها باشند.» (Collins, 1998: 285)

نظریه سرچشمه‌های منازعه بین کشورها حافظ نیا (۲۰۰۱ م): این نظریه توسط محمدرضا حافظ نیا استاد جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک دانشگاه تربیت مدرس ارائه شده است. حافظ‌نیا معتقد است که عوامل و ارزش‌های جغرافیایی نقش اساسی در بروز جنگ و منازعه دارند؛ عواملی که به عنوان ارزش‌ها و منافع ملی از قبیل سرزمین، فضا، مرز، منابع معدنی، آب و... به آن نگریسته می‌شود؛ همچنین عواملی که موجبات تمایز و تفاوت نظیر گروه‌های قومی، مذهبی و نژادی را به وجود می‌آورد. به اعتقاد او مسئله موجودیت و شکل‌بندی ساختار سیاسی فضا و تأسیس یا تغییر وضعیت جغرافیای سیاسی در مقیاس‌های محلی، منطقه‌ای و جهانی عمدتاً از نظر بازیگران سیاسی و حکومت‌ها به عنوان هدف سیاسی جنگ و منازعه تعیین می‌شود (حافظ نیا و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۲). حافظ نیا در بخش اصلی نظریه خود تأکید می‌کند که معمولاً حکومت‌ها نسبت به برخی عوامل جغرافیایی - طبیعی یا انسانی بیرون یا درون قلمرو خود دیدگاهی ناسازگار با دیدگاه همسایگان یا قدرت‌های منطقه‌ای یا جهانی دارند که در چنین حالتی مشاجره میان آن‌ها بروز می‌کند.

جدول ۲- شاخص‌های نظریه‌های تنش و منازعه میان کشورها

عوامل تنش و منازعه	نظریه هاگت	نظریه لوتواک	نظریه هامر- دیکسون	نظریه جان ام کالینز	نظریه حافظ نیا
عوامل سرزمینی	- محصور بودن در خشکی - عدم دسترسی به آب‌های آزاد			اصطکاک ژئوپلیتیکی بر سر محدوده‌های مرزی	- خاک و فضا - مسیر ارتباطی - محصور بودن در خشکی - مرز دریایی مشترک
عوامل ژئواستراتژی				اصطکاک راهبردی	مجاورت پایتخت با مرز
عوامل هیدروپلیتیک	- خط تقسیم آب - رودخانه به عنوان مرز بین‌المللی				خط تقسیم آب سرچشمه رودخانه‌ها
عوامل ژئواکونومیک	برخوررداری از منابع راهبردی مهم	اختلافات و کشمکش‌های اقتصادی		اصطکاک اقتصادی	ذخایر گازی و معدنی
عوامل ژئوکالچر	استقرار یک گروه اقلیت زبانی، قومی در امتداد مرز - کوچ و جابه‌جایی عشایر - برخوررداری از منابع فرهنگی			اصطکاک فرهنگی	جابه‌جایی عشایر در دو سوی مرز - تضادهای فرهنگی و هویتی
عوامل زیست‌محیطی	- باروری مصنوعی ابرها		- تخریب منابع زیستی - کمبود منابع زیست‌محیطی - دسترسی نابرابر به منابع طبیعی	اصطکاک زیست‌محیطی	روش مصنوعی باران‌زا کردن ابرها
عوامل سیاسی	- اقلیت‌های قومی با گرایش جدایی‌طلبانه				گروه‌های اقلیت جدایی‌خواه

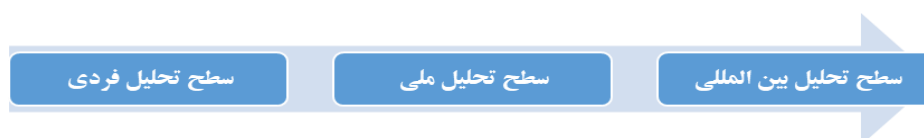
#### ۴-۲- نظریه‌های منازعه و جنگ

دیدگاه‌های نظری مختلفی در مورد ریشه‌ها، علل و ماهیت منازعهٔ خشونت‌آمیز و جنگ وجود دارد. هریک از این رهیافت‌ها بر اساس واحد و سطح تحلیل خود عوامل و متغیرهای متفاوتی را مورد تأکید و بررسی قرار می‌دهد. در ادامه با توجه به موضوع پژوهش، تنها به سطوح تحلیل سیاسی در روابط بین‌الملل که باعث بروز منازعه و جنگ می‌شوند، اشاره می‌شود.

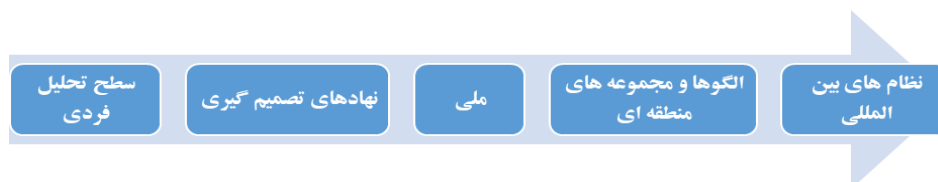
با توجه به پنج سطح پاتریک مورگان (فردی، نهادهای تصمیم‌گیری، ملی، تحلیل الگوها و مجموعه‌های منطقه‌ای و سطح تحلیل نظام‌های بین‌المللی)، سه سطح تحلیل دیوید سنینگر (فردی، ملی و بین‌المللی) و یا سه تصویر کنت والتز، نظریه‌های منازعه و جنگ را می‌توان در سه گروه طبقه‌بندی کرد و در چارچوب آن به تجزیه و تحلیل ریشه‌های جنگ پرداخت.

در سطح تحلیل خرده سیستمی فردی، جنگ و خشونت ریشه در ذات شرور انسان دارد. در سطح تحلیل خرده سیستمی ملی، علل و عوامل جنگ را بر پایه ویژگی‌ها و ساختار درونی کشورها قابل تحلیل و بررسی است.

بر اساس سطح تحلیل کلان سیستمی، پدیده جنگ با توجه به ویژگی‌ها و ماهیت نظام بین‌الملل تجزیه و تحلیل می‌گردد؛ یعنی این ساختار غیرمتمرکز و آنارشیک نظام بین‌الملل است که انگیزه‌های خشونت و جنگ‌طلبی را در کشورها برمی‌انگیزد (قربانی نژاد و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۶۷).



شکل ۴- سطوح بررسی علت‌های منازعه و درگیری بر اساس تحلیل دیوید سنیگر  
(سیف زاده، ۱۳۹۶: ۴۲)



شکل ۵- سطوح بررسی علت‌های منازعه و درگیری بر اساس تحلیل پاتریک مورگان (همان: ۴۴)

## ۲-۵- مدل مفهومی پژوهش

با بررسی نظریه‌های شروع منازعه و جنگ در روابط بین‌الملل دریافته می‌شود که می‌توان بر طبق پنج سطح مورگان و سه سطح تحلیل سنیگر به تجزیه و تحلیل ریشه‌های جنگ پرداخت. از سویی دیگر نظریه پردازان حوزه ژئوپلیتیک با طرح برخی از نظریات و دیدگاه‌های خود، به بیان اصلی‌ترین دلایل ژئوپلیتیکی بروز منازعه و درگیری میان دو واحد سیاسی پرداخته‌اند. در میان نظریه پردازان تنش و منازعه میان دولت‌ها، هاگت (۱۹۷۲) تا حدودی سعی کرده است نگاهی جامع و چندبعدی به قضیه تنش و منازعه میان کشورها داشته باشد و در نظریه‌های خود به متغیرهای مختلفی چون مسائل ژئواستراتژیک، فرهنگی، اقتصادی و هیدروپلیتیک اشاراتی داشته است. لوتواک (۱۹۹۰) تنها عامل اقتصادی را از اصلی‌ترین عوامل بروز منازعه و جنگ می‌داند. دیکسون (۱۹۹۴) نیز با اشاره به عوامل زیست‌محیطی، تخریب و کاهش منابع تجدید پذیر، افزایش

تقاضا برای منابع زیست و محیطی و ... این عوامل را باعث بروز منازعه و جنگ میان دو کشور همسایه می‌داند. کالینز (۱۹۹۸) نیز با مطرح کردن اصطکاک ژئوپلیتیکی، اصطکاک بر سر محدوده‌های مرزی، فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی را از اصلی‌ترین عوامل بروز اختلاف در میان کشورها می‌داند. در نظریه سرچشمه‌های منازعه حافظ نیا (۲۰۰۱) نیز به عوامل سرزمینی، ژئواستراتژی، فرهنگی، اقتصادی، طبیعی، زیست‌محیطی بروز تنش و منازعه اشاره شده است. از این رو با توجه به نظریات ژئوپلیتیکی و تنش و منازعه و همچنین سطح تحلیل سیاسی در روابط بین‌الملل، این پژوهش با ارائه مدلی ترکیبی سعی دارد به بیان ریشه‌های منازعه و بروز جنگ میان ایران و عراق بپردازد؛ بنابراین با در نظر گرفتن سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای بروز منازعه و جنگ میان کشورها، عوامل ژئوپلیتیکی ایجادکننده تنش و منازعه در روابط کشورها نیز در ذیل عوامل فرهنگی (ژئوکالچر)، اقتصادی (ژئواکونومیک)، سرزمینی (قلمروی)، سیاسی، نظامی، هیدروپلیتیک و زیست‌محیطی دسته‌بندی می‌شود.

### جدول ۳- سطوح و عوامل ژئوپلیتیکی بروز منازعه و تنش میان کشورها

سطح بین‌المللی	سطح منطقه‌ای	سطح ملی
• عوامل اقتصادی	• عوامل اقتصادی	• عوامل سرزمینی
• عوامل فرهنگی	• عوامل فرهنگی	• عوامل طبیعی
• عوامل سیاسی	• عوامل زیست‌محیطی	• عوامل اقتصادی
• عوامل ژئواستراتژی	• عوامل سیاسی	• عوامل فرهنگی
	• عوامل نظامی	• عوامل زیست‌محیطی
	• عوامل ژئواستراتژی	• عوامل سیاسی
		• عوامل نظامی
		• عوامل ژئواستراتژی



شکل ۶- مدل مفهومی پژوهش

### ۳- یافته‌های پژوهش

بر اساس مدل مفهومی پژوهش، زمینه‌های ژئوپلیتیکی بروز جنگ تحمیلی در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌الملل به شرح زیر موردبررسی قرار می‌گیرد:

#### ۳-۱- زمینه‌های ژئوپلیتیکی بروز جنگ تحمیلی در سطح ملی:

مهم‌ترین زمینه‌های ژئوپلیتیکی بروز جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران در سطح ملی عبارت‌اند از:

عوامل سرزمینی و قلمرویی: موقعیت جغرافیایی یک کشور از عوامل تأثیرگذار بر قدرت ملی آن محسوب می‌گردد (زین‌العابدین و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۶). عراق شرقی‌ترین کشور عربی است که

مرز خشکی طولانی با کشورهای غیر عرب در آسیا داشته و همواره خود را نگهبان دروازه شرقی جهان عرب معرفی می‌کند. موقعیت ارتباطی عراق، شرایطی برای این کشور ایجاد کرده است که به منظور ارتباط با دنیای خارج، نیاز به عبور از خاک یک یا چند کشور همسایه دارد. پس می‌توان گفت که عراق در یک تنگنای ارتباطی گرفتار شده است (نامی، ۱۳۸۹: ۳۳۰). از سویی دیگر عراق از دیرباز بر سر مرز با ایران به عنوان کشور همسایه خود، اختلاف داشته است. از آن زمان که عراق کنونی به عنوان بخشی از خاک امپراطوری نیرومند عثمانی محسوب می‌شد، اختلافات مرزی میان دو کشور وجود داشت. از لحاظ موقعیت دریایی نیز کشور عراق از سمت جنوب شرقی خود از طریق خلیج فارس با آب‌های آزاد ارتباط دارد؛ اما این کشور، تنها کشوری است که با آب‌های آزاد کمترین ساحل را دارد. همین مسئله یکی از بزرگ‌ترین تنگناهای عراق از حیث اقتصادی، ارتباطی، نظامی و استراتژیک است؛ به گونه‌ای که همواره بر رفتارهای سیاسی - نظامی آن کشور تأثیرگذار بوده است (حافظ نیا و ربیعی، ۱۳۹۲: ۲۵۷).

بنابراین می‌توان گفت که موقعیت جغرافیایی ایران و عراق، محصور بودن عراق در خشکی، عدم دسترسی عراق به آب‌های آزاد، توسعه‌طلبی ارضی حاکمان رژیم بعث، اختلافات مرزی میان دو کشور، ناپایداری قراردادهای مرزی میان دو کشور، تجزیه استان خوزستان، مسئله رودخانه اروند و ... از جمله شاخصه‌های عوامل سرزمینی و قلمرویی در بروز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در سطح ملی می‌باشد.

عوامل هیدروپلیتیک: موقعیت و وضعیت جغرافیای طبیعی کشور عراق در قیاس با همسایگانش به گونه‌ای است که آب‌های جاری کناره‌های غربی ایران و کناره‌های جنوبی ترکیه به‌سوی سرزمین پست بین‌النهرین سرازیر می‌شوند. رودخانه‌های دجله و فرات از گذشته‌های دور، نقش بسیار مهمی در حیات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بین‌النهرین ایفا نموده‌اند. درحالی‌که حدود ۸۰ درصد شبکه دو رودخانه در قلمرو عراق قرار دارد، بیش از ۸۰ درصد آب این دو رودخانه از خارج از مرزهای عراق وارد می‌شود و همین امر کشورهای همسایه عراق و علی‌الخصوص ترکیه و سوریه و ایران را در موقعیت فرادستی نسبت به عراق قرار داده و اختلافات همیشگی را بین کشورهای عراق، ترکیه و سوریه بر سر تقسیم آب دجله و فرات موجب شده است (هاشمی و فرجی راد، ۱۳۹۶). آب‌های سرحدی و یا رودخانه‌های مرزی بین ایران و عراق از جمله رودخانه‌های اروند، کنجان چم و الوند همواره از موضوع‌های مورد اختلاف

در روابط دو کشور بوده است؛ به طوری که قریب به نیم قرن نحوه استفاده از آب این رودخانه‌ها مورد توجه و اعتراضات و مذاکرات متعدد مقامات محلی دو سوی مرزها و نیز مقامات مرکزی دو کشور بوده است (قربانی نژاد، بی تا: ۲۱۹).

به طور کلی می توان وضعیت توپوگرافی عراق، وابستگی هیدروپلیتیکی عراق به ایران، فرودستی هیدروپلیتیکی عراق نسبت به ایران، وجود منابع آب شیرین در ایران، تسلط بر رودخانه اروند، مسئله رودخانه‌های سرحدی، اختلاف درباره میزان آب رودخانه‌های مرزی و نحوه استفاده از آن‌ها و ... را از جمله شاخصه‌های عوامل هیدروپلیتیک در بروز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در سطح ملی برشمرد. عوامل ژئوآکونومیک: یکی از اهداف عمده عراق از برپایی جنگ، تسلط بر استان خوزستان و ضمیمه کردن این استان به خاک خود بود. استان خوزستان از نظر موقعیت ژئوپلیتیکی، منابع سرشار نفت، برخورداری از زمین‌های مساعد کشاورزی و نیز بافت قومیتی اش در بین سایر مناطق کشور اهمیت بسزایی دارد. اروندرود به عنوان تنها رود قابل کشتیرانی ایران، حیاتی‌ترین شریان اقتصادی برای این استان است و حیات اقتصادی شهرهایی، مانند خرمشهر و آبادان که از مهم‌ترین بنادر صادراتی ایران به شمار می‌روند تا اندازه زیادی به این رود وابسته است. از سوی دیگر، بخش زیادی از منابع نفتی ایران در این استان واقع شده و از این نظر، اهمیت فراوانی برای این کشور دارد (جعفری ولدانی، ۱۳۹۹: ۶۷).

بنابراین به طور اجمالی می توان موقعیت ارتباطی ایران، تجزیه استان خوزستان و تسلط بر ذخایر آن، ژئوپلیتیک نفت، تحریم‌های اقتصادی ایران از سوی غرب و شرق، بلوکه شدن ذخایر ارزی ایران در بانک‌های آمریکا، کاهش درآمدهای نفتی ایران، آشفتگی و نابسامانی اقتصادی در ایران و افزایش عواید نفتی عراق و صرف آن جهت تقویت و توسعه ارتش خود، کمک‌های اقتصادی و مالی کشورهای عرب به عراق و ... را به عنوان شاخصه‌های عوامل ژئوآکونومیک در بروز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و عراق در سطح ملی عنوان نمود.

عوامل ژئوکالچر: تفاوت‌های فرهنگی همواره میان مردم در کشورها وجود داشته و دارد. در برخی مناطق و سرزمین‌ها به دلیل تفاوت‌های فرهنگی ناشی از قومیت، مذهب، زبان و ... چالش‌ها و درگیری‌هایی شکل گرفته است (مجتهد زاده، ۱۳۹۱: ۶۶).

رقابت ایدئولوژی حزب بعث با انقلاب اسلامی، رشد ناسیونالیسم عربی و پان عربیسم در تفکرات حاکمان رژیم بعث عراق، تعارضات قومی و هویتی، مذهبی و اعتقادی میان دو کشور، مسئله کردها و



نزدیکی آنان به ایران، مسئله جریان خلق عرب و جدایی طلبی آنان، ژئوپلیتیک شیعه و عدم انسجام مذهبی در عراق، نزدیکی شیعیان عراق به ایران و ... را می‌توان به عنوان مهم‌ترین شاخصه‌های قابل بحث در حوزه عوامل ژئوکالچر در بروز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در سطح ملی برشمرد.

عوامل سیاسی و ژئواستراتژی: با بررسی وضعیت سیاسی و امنیتی ایران پس از پیروزی انقلاب تا آغاز جنگ تحمیلی از جمله فعالیت‌های مسلحانه و تجزیه طلبانه گروهک‌های ضدانقلاب در مرزهای ایران، اختلافات سیاسی و حزبی در انقلابیون، ترور و حذف فیزیکی بسیاری از شخصیت‌های تراز اول انقلاب، اختلافات سیاسی ایران با آمریکا در پی تسخیر لانه جاسوسی و قطع ارتباط با آمریکا، اختلافات رئیس جمهور وقت با انقلابیون، وقوع کودتا، شکل‌گیری ایدئولوژی انقلاب اسلامی، صدور انقلاب در اندیشه سیاسی رهبر جمهوری اسلامی و ... می‌توان عوامل سیاسی بروز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در سطح ملی ایران را احصاء نمود. از سویی دیگر وضعیت سیاسی - امنیتی و نظامی عراق، وقوع کودتاها، پی‌درپی و تغییر حاکمیت در آن کشور، تغییر سیاسی نظام حاکم بر عراق و روی کار آمدن حزب بعث، دیدگاه و اقدامات حزب بعث پس از پیروزی انقلاب اسلامی، رؤیاهای جاه طلبانه رئیس جمهور عراق، وسعت و عمق کم استراتژیکی عراق، ناسیونالیسم عربی و پان‌عربیسم در تفکرات حاکمان عراق، فعالیت مرجعیت شیعه در عراق و نزدیکی به جمهوری اسلامی ایران، محرومیت شیعیان در ساختار سیاسی عراق و سوءظن به ایران در راستای حمایت از آنها، ضعف آرمان سیاسی در رژیم بعث و بلندپروازی سران حزب بعث، درگیری کردها با رژیم بعث و نزدیکی آنها به ایران و ... از جمله شاخصه‌های عوامل سیاسی و استراتژی در بروز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در سطح ملی عراق می‌باشند.

عوامل نظامی: تحریم تسلیحاتی ایران از سوی شرق و غرب، حمایت‌های تسلیحاتی از عراق توسط غرب و شرق، نابسامانی در ارتش ایران، تقویت و توسعه ارتش عراق در بعد نیروی انسانی، آموزش، تسلیحات و تجهیزات نظامی و ... از جمله شاخصه‌های عوامل نظامی در بروز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در سطح ملی می‌باشند.

### ۲-۳- زمینه‌های ژئوپلیتیکی بروز جنگ تحمیلی در سطح منطقه‌ای:

مهم‌ترین زمینه‌های ژئوپلیتیکی بروز جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران در سطح منطقه‌ای عبارت‌اند از:

عوامل سرزمینی، ژئواستراتژی و ژئوآکونومیک، ژئوکالچر، سیاسی و نظامی: موقعیت ژئوپلیتیک

و استثنایی ایران در میان کشورهای منطقه همیشه مورد توجه بوده است. جمهوری اسلامی ایران از منظر جغرافیایی و فرهنگی، قلب منطقه غرب آسیا محسوب می‌شود. پیشینه عظیم فرهنگی ایران در مقایسه با سایر کشورهای منطقه و همچنین هویت مذهبی برآمده از آن و قابلیت‌های اقتصادی ایران موجب شده است تا این کشور همواره به عنوان یکی از بازیگران اصلی منطقه مورد توجه قرار گیرد. نقش ارتباطی میان‌قاره‌ای و مجاورت با خلیج فارس و تنگه هرمز که محل ترانزیت محموله‌های نفتی است، بر اهمیت و نقش مؤثر ایران افزوده است (حیدری، ۱۳۸۴: ۵۲). از سویی دیگر کشف ذخایر عظیم سوخت‌های فسیلی در بستر خلیج فارس بر ارزش ژئواستراتژی ایران افزوده است. تردد شناورهای حامل سوخت برای انتقال آن به جهان صنعتی، نقش این منطقه را حیاتی کرده است. همین امر موقعیت ژئوپلیتیکی ایران را تبدیل به یک موقعیت ژئواستراتژیکی در جهان ساخته است به گونه‌ای که تعامل و انطباق موقعیت‌های ممتاز ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی ایران در این منطقه، کشور ایران را به یکی از نواحی استراتژیکی در جهان تبدیل نموده است.

از سویی دیگر پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، نه تنها منجر به سقوط شاه در ایران، بلکه باعث بر هم خوردن ساختار امنیتی کشورهای منطقه نیز شد (کسرایبی و موسوی، ۱۳۹۲: ۱۰۳). امنیت نسبی منطقه حساس خلیج فارس تا قبل از انقلاب ایران، با ایفای نقش مکمل ایران و عربستان سعودی حفظ می‌شد که به طور نظام‌یافته‌ای، توسط ایالات متحده آمریکا و بر اساس قاعده دو ستونی مشروعیت می‌یافت. گفتمان انقلاب اسلامی ایران اما در جهت مقابله با شکل‌بندی‌های سیاست جهانی قرار داشت. ایران توانست تحولی ایجاد نماید که به موجب آن، دولت‌ها تنها نقش‌آفرینان صحنه جهانی تلقی نشوند. از سوی دیگر، قواعد بازی را صرفاً قدرت‌های بزرگ طراحی و اجرا نکنند. به عبارت دیگر، انقلاب ایران، توانست نقدی فراگیر در سلسله مراتب قدرت‌های بین‌المللی و مشروعیت کشورهای منطقه‌ای در خاورمیانه ایجاد نماید (متقی، ۱۳۸۹: ۲۲۴).

شکل‌گیری «ایدئولوژی انقلاب اسلامی» و ترس برخی کشورهای همسایه از صدور انقلاب، در شکل‌گیری جنگ میان ایران و عراق نقش مهمی داشت (سلامی، ۱۳۷۶: ۴۷) انقلاب اسلامی ایران، به خاطر ایدئولوژی اسلامی که در منطقه داشت، مشروعیت حکام منطقه و به خصوص عربستان سعودی را زیر سؤال برده بود. حمایت کشور عراق از سوی تمام کشورهای عربی، به جز لیبی و سوریه و اکثریت کشورهای غربی به خصوص کشور فرانسه (پارسادوست، ۱۳۶۹: ۶۰)، خود

گویای این نکته است که چنین اجماعی بر ضد ایران به خاطر ترس از نفوذ ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران به خارج از مرزهای ایران و در نتیجه، محدود کردن آن در مرزهایش بود. نکته قابل ذکر دیگر، اینکه قوی‌ترین رقیب ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران در منطقه، ایدئولوژی حزب بعث بود که دعوی دفاع از ملت عرب را تبلیغ می‌کرد (همان: ۵۵). با این وصف، ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران برای حزب بعث قابل تحمل نبود. می‌توان گفت که رژیم بعث عراق با حمله به ایران، نه تنها در صدد اجرای طرح خود به عنوان ژاندارم خلیج فارس بود، بلکه به واسطه رنجش عمیق ناشی از نفوذ سیاسی و فرهنگی ایران در خلیج فارس، همواره به سرنگونی انقلاب اسلامی می‌اندیشید (ادیب مقدم، ۱۳۸۸: ۷۳).

بنابراین به طور اجمالی می‌توان از موقعیت ژئوپلیتیکی و استثنایی ایران در میان کشورهای منطقه، دسترسی و تسلط بر این موقعیت، اجماع کشورهای عربی منطقه برای سرنگونی انقلاب اسلامی و تسلط بر ایران، وقوع انقلاب اسلامی و تأثیرپذیری احتمالی کشورهای منطقه از آن، انقلاب هراسی در میان کشورهای منطقه، جلوگیری از صدور انقلاب در منطقه، گسترش مقاومت و غرب‌ستیزی با پیروزی انقلاب اسلامی در منطقه، شکل‌گیری ایدئولوژی انقلابی در منطقه در مقابل پان عربیسم، نفوذ فرهنگی و ایدئولوژی ایران در کشورهای منطقه، رشد جریان‌های شیعی در منطقه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، اعتماد کشورهای منطقه به صدام برای سرنگونی ج.ا.ا، تأثیرگذاری و نفوذ حزب بعث در میان کشورهای منطقه، نفوذ قدرت‌های فرا منطقه‌ای در ساختارهای منطقه، انعقاد پیمان‌های منطقه‌ای، ژئوپلیتیک نفت در منطقه و ... را به عنوان مهم‌ترین شاخصه‌های عوامل سرزمینی، ژئواستراتژی و ژئوآکونومیک، ژئوکالچر و نظامی بروز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در سطح منطقه‌ای نام برد.

### ۳-۳- زمینه‌های ژئوپلیتیکی بروز جنگ تحمیلی در سطح بین‌الملل:

مهم‌ترین زمینه‌های ژئوپلیتیکی بروز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در سطح بین‌الملل عبارت‌اند از:

عوامل سیاسی، ژئواستراتژی، ژئوآکونومیک، ژئوکالچر و نظامی: پیروزی انقلاب اسلامی، تحولی اساسی در همه ساختارهای حکومتی و نیز روابط خارجی ایران، به وجود آورد. در حکومت جدید ایران نوع ارتباط و تعامل با جهان سلطه و نیز سایر دولت‌ها، با دوران رژیم شاهنشاهی بسیار متفاوت بود. در انقلاب، «استقلال» به عنوان یکی از شعارهای اساسی ملت ایران در دستور کار سیاست

خارجی کشور قرار گرفت. ایران از حوزه حمایت و پشتیبانی آمریکا و همسویی و همراهی با این کشور خارج و به‌عنوان کشور و قدرتی مستقل در صحنه سیاسی خاورمیانه که نظریه جدیدی را برای حکومت تجربه می‌کرد، پا به عرصه وجود گذاشت (علایی، ۱۳۹۵: ۳۷).

وقوع انقلاب اسلامی و اندیشه‌های سیاسی بنیان‌گذار آن، بیش‌ازپیش باعث ایجاد یک انقلاب هراسی گسترده در فضای بین‌الملل و ساختار دوقطبی جهان شد. در زمان آغاز جنگ ایران و عراق، غرب به‌خصوص آمریکا در وضع تعارضی در برابر ایران قرار داشت. آنان از یک‌سو، نمی‌توانستند موقعیت ژئوپلیتیکی ایران را در امنیت منطقه نادیده بگیرند و از طرف دیگر به پذیرش اهداف سیاسی و الگوهای رفتاری جمهوری اسلامی تمایلی نداشتند. شواهد بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد نطفه بروز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در سطح بین‌الملل و موافقت دو ابرقدرت شرق و غرب بسته شد (متقی، ۱۳۸۹: ۶۶).

درواقع می‌توان گفت که فضای بین‌الملل توانست با قابلیت‌ها و مطلوبیت‌های استراتژیک خود زمینه‌های لازم را برای اقدامات نظامی و امنیتی علیه ایران فراهم آورد. اقدامات محدودکننده علیه ایران، فعال‌سازی بحران‌های داخلی، فراهم کردن زمینه کودتا و ... از جمله زمینه‌سازی غرب برای بروز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بود. در طول جنگ نیز، دو ابرقدرت غرب و شرق از هیچ‌گونه حمایتی از دشمن متجاوز فروگذار نکردند.

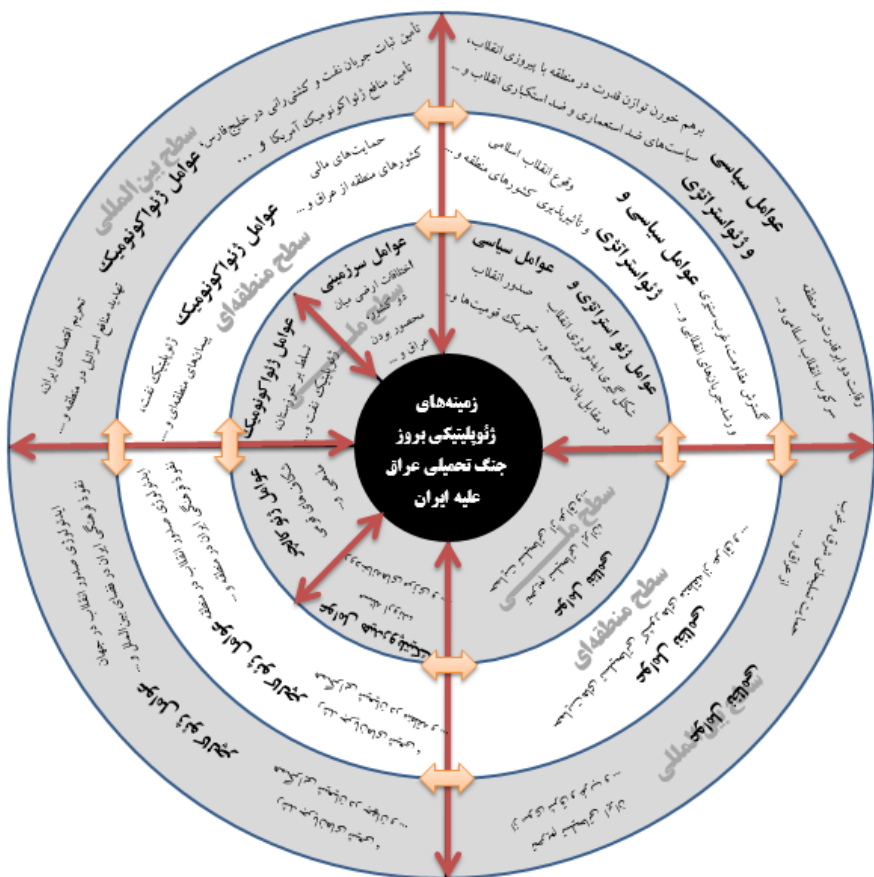
به طور اجمال، وقوع انقلاب اسلامی و تأثیرپذیری احتمالی کشورهای منطقه از آن، انقلاب هراسی در فضای بین‌الملل، جلوگیری از صدور انقلاب در دنیا، گسترش مقاومت و غرب‌ستیزی با پیروزی انقلاب اسلامی در فضای بین‌الملل، برهم خوردن توازن قدرت در منطقه با پیروزی انقلاب، تصادم اهداف و سیاست‌ها و منافع ایران با ابرقدرت‌ها، سیاست‌های ضد استعماری و ضد استکبار انقلاب اسلامی، نفوذ فرهنگی و ایدئولوژی ایران در فضای بین‌الملل، رشد جریان‌های شیعی در منطقه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، حوادث سیاسی در ایران و تأثیرگذاری آن بر روی روابط با دنیا، شکست استراتژی‌های آمریکا در منطقه، تعامل نظام دوقطبی برای سرنگونی انقلاب اسلامی، تأمین امنیت اسرائیل و کشورهای محافظه‌کار منطقه از سوی ابرقدرت‌ها، تأمین ثبات جریان نفت و کشتی‌رانی در منطقه، تأمین منافع ژئواکونومیک آمریکا در منطقه، تحریم اقتصادی ایران از سوی ابرقدرت‌ها، رقابت اقتصادی دو ابرقدرت در سطح بین‌الملل، ژئوپلیتیک نفت، حمایت‌های تسلیحاتی کشورهای غرب و شرق از رژیم بعث عراق، تحریم تسلیحاتی ایران از سوی ابرقدرت‌ها، رقابت

تسلیماتی دو ابرقدرت جهانی در منطقه و ... از مهم‌ترین عوامل سیاسی، ژئواستراتژی، ژئواکونومیک، ژئوکالچر و نظامی بروز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در سطح بین‌الملل می‌باشند.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادات:

دیدگاه‌های نظری مختلفی در مورد ریشه‌ها، علل و ماهیت منازعهٔ خشونت‌آمیز و جنگ وجود دارد. مورگان پنج سطح و سنیر سه سطح تحلیل برای شروع منازعه و جنگ مطرح کرده‌اند. از تجاوز عراق به ایران و راه‌اندازی جنگ هشت‌ساله را می‌توان علاوه بر در نظر گرفتن زمینه‌ها و دلایل ژئوپلیتیکی بروز آن، در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مورد تحلیل قرار داد. عراق با داشتن ۵۸ کیلومتر خط ساحلی در شمال غرب خلیج فارس، کمترین و ایران با داشتن ۱۲۵۹ کیلومتر خط ساحلی در شمال خلیج فارس، بیشترین مرز آبی را در این خلیج استراتژیک به خود اختصاص داده‌اند. از آنجاکه عراق در خلیج فارس دارای مرز دریایی محدودی می‌باشد، وابستگی کامل آن به خلیج فارس به‌منظور صادرات انرژی و واردات کالاهای اساسی امری کاملاً بديهي به نظر می‌رسد. همین امر باعث بلندپروازی‌های حاکمان عراق در برهه‌های زمانی مختلف جهت دستیابی به آب‌های داخلی ایران و کویت به‌منظور رهایی یافتن از این تنگنای جغرافیایی از یک طرف و حساسیت نسبت به روابط سایر کشورهای ساحلی خلیج فارس از طرف دیگر شده است. از طرفی دیگر ساختار جغرافیایی ویژه عراق در ابعاد طبیعی و انسانی، خودبه‌خود باعث زمینه‌سازی بروز تنش و مناقشه با کشورهای همسایه شده است. تداخل قومیتی با همسایگان، ساختار انسانی و فرهنگی ناهمگن داخلی، دسترسی محدود به آب‌های آزاد در خلیج فارس، وابستگی هیدروپلیتیکی به ترکیه و ایران، ادعاهای سرزمینی نسبت به کویت و ایران، کشمکش‌های مذهبی و قومیتی داخلی، اختلافات مرزی با ایران، کویت و عربستان، رقابت‌های منطقه‌ای با عربستان و ایران و ... تنها بخشی از تنگناها و مشکلات جغرافیایی و ژئوپلیتیکی عراق به شمار می‌روند که به شکل‌های گوناگون تأثیر خود را در برقراری روابط خصمانه و یا دوستانه با همسایگان نشان داده است.

همان‌طور که این پژوهش بررسی کرده است، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در سطوح بین‌الملل و منطقه‌ای شکل گرفت و نهایتاً در سطح ملی دو کشور اجرا شد. در ادامه و با توجه به یافته‌های این پژوهش، پس از ارائه مهم‌ترین زمینه‌های ژئوپلیتیکی بروز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در قالب مدل زیر، راهکارها و پیشنهادهایی برای جلوگیری از بروز جنگی دوباره و یا جنگ‌های مشابه ارائه می‌گردد.



شکل ۷- زمینه‌های ژئوپلیتیکی بروز جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران

#### ارائه راهکار و پیشنهاد:

حوزه عوامل سرزمینی: همکاری و همگرایی میان دو کشور ایران و عراق و فراهم شدن دسترسی آسان‌تر اما هدفمند عراق به خلیج فارس توسط ایران، می‌تواند سودای توسعه‌طلبی ارضی حاکمان عراق را تا حدود زیادی مدیریت کند.

حوزه هیدروپلیتیک: به نظر می‌رسد که در آینده‌ای نه‌چندان دور مسئله مهم هیدروپلیتیک میان دو کشور محل مناقشه و منازعه جدی گردد. به دلیل موقعیت جغرافیایی، منابع آبی عراق با تهدید جدی مواجه است و در تنگنای هیدروپلیتیکی قرار دارد از این رو پیشنهاد می‌شود تا کارگروه خاصی متشکل از متخصصین و نظامیان خبره در وزارت دفاع تشکیل و ضمن بررسی تخصصی

این مسئله، راه‌های برون‌رفت از بحران‌های احتمالی را احصاء نمایند.

حوزه ژئوکالچر: با توجه به سهم حدود ۶۰ درصدی شیعیان از جمعیت عراق و پیوند عمیق ایدئولوژیک آنان با ایران، نقش‌آفرینی مرجعیت عالی شیعیان در عراق می‌تواند از بروز اختلافات مذهبی و ایجاد بحران جلوگیری کند.

حوزه ژئوکالچر: قدرت‌یابی شیعیان در عراق، برای ایران فرصت ساز می‌باشد. حضور فعال شیعیان در عرصه سیاسی عراق جدید موجب تقویت مواضع ایران در منطقه خاورمیانه گردیده است. از این‌رو پیشنهاد می‌شود دولتمردان ایران با دیپلماسی موفق راه به قدرت رسیدن شیعیان در عراق را هموارتر کنند.

حوزه ژئواستراتژی: آمریکا همواره به عراق به عنوان تأمین‌کننده منافع خود نگریسته است. با نقش‌آفرینی سیاسی و دیپلماسی در دولت عراق، می‌توان از نزدیکی دوباره آمریکا به عراق و تحریک حاکمان این کشور، از بروز جنگی دوباره جلوگیری کرد.

حوزه ژئواکونومیک: با توجه به ذخایر عظیم نفت و گاز در دو کشور، هرگونه همکاری در خصوص نفت و صادرات آن می‌تواند تأثیرات زیادی بر صنعت بین‌المللی نفت گذاشته و از بروز بحران دوباره جلوگیری کند.

حوزه ژئواکونومیک: حضور ایران در بازارهای اقتصادی عراق، تشکیل بازارچه‌های مرزی، راه-اندازی مناطق آزاد تجاری و همچنین فراهم کردن زیرساخت‌های اقتصادی می‌تواند ضمن فراهم آوردن فرصت همکاری، از ایجاد تنش میان دو کشور بکاهد.

حوزه ژئوپلیتیک: با نگاهی به آینده و با توجه به یافته‌های این پژوهش، شاخصه‌ها و بنیان‌های ژئوپلیتیکی مؤثر بر روابط دو کشور عراق و ایران را می‌توان به انرژی و تعاملات اقتصادی و سیاسی ناشی از آن، تعامل با کردها و حمایت از آنان با هدف جلوگیری از گسترش و نفوذ ژئوپلیتیک ترکیه و کشورهای حاشیه خلیج فارس و همچنین تضمین دسترسی به مسیر ارتباطی به سوریه و ارتباط با حکومت سوریه و تقویت جبهه مقاومت؛ روابط مذهبی میان دو کشور بر پایه مذهب تشیع و تعلق خاطر مردم دو کشور به مراکز مهم مذهبی و همچنین مرزهای دو کشور دانست. تنگناهای ژئوپلیتیک عراق سبب شده تا این کشور از لحاظ ژئوپلیتیک به ایران وابستگی پیدا کند. عدم وابستگی ژئوپلیتیکی عراق به ایران همواره چالش زا خواهد بود. احصاء راه‌های وابستگی ژئوپلیتیکی عراق به ایران می‌تواند تا حدود زیادی از بحران‌های مشابه در آینده پیشگیری کند.

## منابع

- ادیب مقدم، آرشین (۱۳۸۸). سیاست بین‌المللی در خلیج فارس: تبارشناسی فرهنگی، ترجمه داود غرایاق زندی، تهران: شیرازه.
- ایزدی، فؤاد؛ سقایی بی ریا، حکیمه و ثمودی، علیرضا (۱۴۰۰). واکاوی مسئله چراغ سبز دولت کارتر به صدام بر اساس اسناد تازه منتشر شده وزارت خارجه آمریکا. مطالعات دفاع مقدس، ۷(۳)، ۹۱-۱۱۴.
- پارسا دوست، منوچهر (۱۳۳۹). نقش عراق در شروع جنگ همراه با: بررسی تاریخ عراق و اندیشه‌های حزب بعث، چاپ چهارم، تهران: انتشارات باز.
- پورشاسب، عبدالعلی؛ مرادیان، محسن و آرش، مجید (۱۴۰۰). رفتار و عملکرد سیاسی - نظامی کشورهای منطقه در قبال جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران. مطالعات دفاع مقدس، ۷(۲)، ۹-۴۷.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۷). ژئوپلیتیک جدید دریای سرخ و خلیج فارس، چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۹۹). چالش‌ها و منازعات در خاورمیانه، چاپ سوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حاجی حسن، ملیحه و غفاری هشتجین، زاهد (۱۳۹۹). بررسی نقش رهبری حضرت امام خمینی (ره) در بسیج گری گروه‌ها در دوره شکل‌گیری انقلاب اسلامی، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۹(۱)، ۷۳-۹۲.
- حافظ نیا، محمدرضا و ربیعی، حسین (۱۳۹۲). خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات سمت.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۰). جغرافیای سیاسی فضای مجازی، تهران: انتشارات سمت.
- حافظ نیا، محمدرضا؛ صفوی، سید یحیی؛ میرزائی تبار، میثم (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل سیر تحول در نظریه‌های منازعه، سیاست دفاعی، ۲۶(۱۰۱)، ۱۳۳-۱۷۷.
- حضرتی، حسن و قیصریان فرد، هادی (۱۳۹۹). دلایل تداوم جنگ و ناکامی صلح پس از فتح خرمشهر در سال ۱۳۶۱. مطالعات دفاع مقدس، ۶(۱)، ۸۵-۱۲۲.
- درایسدل، آلاسدایر و بلیک، جerald اچ (۱۳۸۶). جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه دره میرحیدر، چاپ پنجم، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- روشن، علی اصغر و فرهادیان، نورالله (۱۳۸۸). فرهنگ اصطلاحات جغرافیای سیاسی - نظامی، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).
- زرقانی، سید هادی (۱۴۰۰). بررسی و تبیین راهبردهای دفاعی حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) در دفاع مقدس. مطالعات دفاع مقدس، ۷(۳)، ۳۳-۶۸.



زین‌العابدین، یوسف و کارساز، انام (۱۳۸۹). جایگاه موقعیت جغرافیایی در نظریه‌های ژئوپلیتیک، جغرافیای انسانی، ۳(۱)، ۴۵-۵۵.

سعیدزاده، محمدرضا (۱۳۸۹). نقش هیدروپلیتیکی رودخانه‌های مرزی در چگونگی روابط کشورهای ایران و عراق، تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.

سلامی، حسن (۱۳۷۶). علل به وجود آورنده جنگ عراق علیه ایران، تهران: تدوین دفتر بررسی‌های سیاسی انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و نظام بین‌الملل.

سیف زاده، سید حسین (۱۳۹۶). اصول و روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات میزان.

طاهری، مسعود؛ حیدری، غلامحسین و عزتی، عزت‌الله (۱۳۹۷). تحلیل معادلات قدرت جهانی در بستر ژئوکالچر، پژوهش‌نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۱۰(۴)، ۱۶۳-۱۹۱.

عزتی، عزت‌الله (۱۳۹۱). ژئوپلیتیک، تهران: انتشارات سمت.

عزتی، عزت‌الله و نامی، محمدحسن (۱۳۹۲). تحلیل ژئوپلیتیکی مرز ایران و عراق، تهران: انتشارات دانا پناه.

عزتی، عزت‌الله (۱۳۹۷). ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم، چاپ هفتم، تهران: انتشارات سمت.

علائی، حسین (۱۳۹۵). تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق، تهران: نشر مرزبوم.

علائی، حسین (۱۴۰۰). بررسی و ارزیابی راهبردهای دفاعی و نظامی جمهوری اسلامی ایران در جنگ تحمیلی. مطالعات دفاع مقدس، ۷(۲)، ۴۹-۷۳.

علی اکبری مارانتو، محمدرضا (۱۳۹۹). بررسی عملکرد حقوقی شورای امنیت در جنگ تحمیلی: غلبه منافع قدرتهای بزرگ بر حقوق بین‌الملل. مطالعات دفاع مقدس، ۶(۱)، ۱۴۱-۱۶۱.

فروتنی، زهرا (۱۳۹۹). تحلیل تطبیقی دستاوردهای سیاسی انقلاب اسلامی با آرمان‌های سیاسی آن (با تاکید بر محورهای بیانیه گام دوم انقلاب)، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۹(۴)، ۲۹۳-۳۱۶.

قربانی نژاد، رباب؛ حافظ نیا، محمدرضا؛ احمدی پور، زهرا و قوام، عبدالعلی (۱۳۹۳). بررسی مفهوم منازعه در نظریه‌های روابط بین‌الملل و ژئوپلیتیک، راهبرد، سال ۲۳(۷۰)، ۲۶۵-۲۹۱.

قربانی نژاد، رباب؛ شهریور، هومان و پارسایی، اسماعیل (۱۳۹۲). ایران و عراق، تحلیل منابع جغرافیایی تنش در شمال غرب خلیج فارس، مجموعه مقالات نهمین همایش ملی خلیج فارس.

کرنگ، مایک (۱۳۹۰). جغرافیای فرهنگی، ترجمه مهدی قرخلو، چاپ ششم، تهران: انتشارات سمت.

کریمی پور، بدالله (۱۳۸۲). مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت معلم.

کسرای، محمدسالار؛ موسوی، سیدرحیم (۱۳۹۲). انقلاب و جنگ ایران و عراق، پژوهشنامه متین، ۱۵(۵۸)، ۹۳-۱۱۴.

متقی، ابراهیم (۱۳۸۹). نظام دوقطبی و جنگ ایران و عراق، تهران: انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

مجتهد زاده، پیروز (۱۳۹۱). جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سمت.

مختاری هشی، حسین و کاویانی‌راد، مراد(۱۳۹۸). پردازش مفهوم هیدروپلیتیک، آب و توسعه پایدار، ۱۳(۶)، ۲۶-۱۵.

مولایی، علیرضا(۱۳۸۲). نقدی بر خواندنی‌های ژئوپلیتیک، تهران، انتشارات دانشکده امام باقر(ع).

میرحیدر، دره(۱۳۹۸). مبانی جغرافیای سیاسی، تهران: انتشارات سمت.

نامی، محمدحسن(۱۳۸۹). جغرافیای مرز با تأکید بر مرزهای ایران، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

هاشمی، سید مصطفی(۱۳۹۶). تبیین و مطالعه تطبیقی کد ژئوپلیتیک ایران و عراق، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.

هاگت، پیتر(۱۳۹۲). جغرافیا ترکیبی نو، جلد اول و دوم، چاپ ۱۲، تهران: انتشارات سمت.

الهی، همایون(۱۳۹۶). خلیج فارس و مسائل آن، تهران: نشر قومس.

محبی، علی(۱۳۹۹). حقوق اسرای جنگی در پرتو حقوق بشر دوستانه، مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۲(۲)، ۱-۲۰.

عباس تبار، رحمت و اختری، عباداله(۱۴۰۰). عقلانیت انقلابی در اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای. مطالعات قدرت نرم، ۱۱(۳)، ۷۷-۹۴.

اقراریان، مهدی؛ پیشگاه هادیان، حمید؛ بلندیان، غلامحسین و اشرفی، اکبر(۱۴۰۰). طراحی و تدوین الگوی مساله‌شناسی در سیاست گذاری امنیتی مبتنی بر منظومه فکری آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای(مدظله العالی)، مطالعات قدرت نرم، ۱۱(۳)، ۹۵-۱۲۳.

موسوی، سید محمدرضا و نقی لو، علی(۱۴۰۰). تاثیر هویت ملی چندپاره ایران بر توسعه سیاسی کشور. جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۲(۳)، ۸۱-۱۰۰.

حسینی پناه، رمضان؛ جوان آراسته، حسین و ابراهیمیان، حجت الله(۱۴۰۰). آمادگی دفاعی با رویکرد اصل ۱۵۱ قانون اساسی با تأکید بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران. جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۲(۳)، ۱۷۳-۱۹۶.

Collins, John M. (1998). *Military Geography: For Professionals and the Public*. Washington, DC: National Defense University Press.

Glassner, Martin & Fahter Chuck. (2004). "Political Geography." United States of America: New York: Johan wiley& Sons, Inc

Homer-Dixon, Thomas F. (1999). *Environmental, Scarcity and Violence*. Princeton. New Jersey: Princeton University Press.